# نکاتی برای فهم راقی از بیانیه گام دوم – محمد عالم زاده نوری

**+ به همراه متن بیانیه + دیدار دانشجویی 1خرداد1398 در شرح بیانیه(حلقه های میانی)**

نکاتی در بیانیه گام دوم 1

بیانیه «گام دوم انقلاب» 2

ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی 2

پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم 2

[تمدن اسلامی] 4

برکات بزرگ انقلاب اسلامی: 5

گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده 11

یک) علم و پژوهش 11

دو) معنویّت و اخلاق 12

سه) اقتصاد 13

چهار) عدالت و مبارزه با فساد 14

پنج) استقلال و آزادی 15

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن 16

هفت) سبک زندگی 16

بیانات آقا در دیدار دانشجویی اول خرداد 98 18

بیانیه گام دوم: ترسیمی از گذشته و حال و آینده انقلاب 18

نقش نیروی جوان متعهد 18

فرایند ورود جوانان 19

شناخت از صحنه 19

جهت‌گیری مشخص به سمت جامعه اسلامی 20

عامل امیدبخش: توجه به ظرفیت‌های خود و فرسودگی جبهه مقابل 20

راهکارهای عملی 21

۱.‌ تشکیل کارگروه‌های فرهنگی 22

۲.‌ گروه‌های فعالیت سیاسی 22

۳.‌ میزگردها و کرسی‌های آزاد‌اندیشی 22

۴.‌ تشکیل گروه‌های نهضتی 23

۵. ۶. ۷. تشکیل گروه‌های علمی، اقتصادی و خدماتی جهادی 23

۸. فعالیت اطلاعاتی مردمی 23

۵۰ فعالیت اجتماعی 23

ورود جوان به عرصه مدیریت کشور 24

درباره بیانیه گام دوم 25

مخاطب بیانیه 25

سخن اصلی بیانیه 26

آمادگی نسل جوان برای اجابت رهبری 27

راهکار پیشنهادی رهبری: مشق کنشگری اجتماعی جوان در قالب کارگروه‌های حل مسائل انقلاب 28

تربیت انقلابی نسل جوان 30

بیانیه گام دوم و اخلاق و معنویت اسلامی 33

جهاد در قرآن 38

# بیانیه «گام دوم انقلاب»

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله‌ الطّاهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدّین.

## ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

از میان همه‌ی ملّتهای زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت میگمارد؛ و در میان ملّتهایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. امّا انقلاب پُرشکوه ملّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و [تمدّن‌سازی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1712) شده ‌است. درودی از اعماق دل بر این ملّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوّم میشود.

### پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبُرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، امّا این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجلِ محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست‌وپنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش میرود.

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، امّا شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویّت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیّت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها.

**دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی**

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، امّا تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حسّاسیّت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل میشمارد، امّا به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمیگیرد. انقلاب اسلامی پس از [نظام‌سازی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2221)، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمیبیند، بلکه از نظریّه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.

**جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها**

جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیّتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، امّا به [اصول خود](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=996) بشدّت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدّت حسّاس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیّتها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، امّا این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور [نسل جوان مؤمن](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5399) و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

**انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی**

انقلاب اسلامی ملّت ایران، قدرتمند امّا مهربان و باگذشت و حتّی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتّی با آمریکا و صدّام، گلوله‌ی اوّل را شلّیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس ‌از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البتّه ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

**برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت**

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره‌ی گذشته است.

### [تمدن اسلامی]

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شمایید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد [تمدّن نوین اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2634) و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتّی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید.

**آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر**

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اوّلاً: همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه ‌بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اوّلین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه -و نه به زور شمشیر خود- بر سرِ کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدّت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فنّاوری و سیاست و معنویّت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیامهای مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریّت و اسلامیّت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

**تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر**

پس آ‌نگاه انقلاب ملّت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجّه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملّتهای زیر ستم و جریانهای آزادی‌خواه جهان و برخی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدّت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملّت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشّأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.

**مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها**

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملّت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. [مدیریّتهای جهادی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5386) الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل [«ما میتوانیم»](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5406) که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به [عزّت](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1349) و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

### *برکات بزرگ انقلاب اسلامی:

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدّت تحقیر شده و بشدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و [مردم‌سالاری](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1046) تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملّی را که جان‌مایه‌‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریّت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریّت کرد؛ روحیه‌ و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت [تحریم دشمنان](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1226)،‌ اتّکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

**یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران**

اوّلاً: ثبات و [امنیّت کشور](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3960) و تمامیّت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدّی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید ‌آورد.

**دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فنّاوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی**

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فنّاوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلّول‌های بنیادی، فنّاوری نانو، زیست‌فنّاوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کلّ جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فنّاوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیّت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایرانِ پیش ‌از انقلاب، در تولید علم و فنّاوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

**سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی**

ثالثاً: [مشارکت مردمی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3314) را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملّی و [استکبارستیزی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1145) به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعّالیّتهای نیکوکاری که از پیش ‌از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس ‌از انقلاب، مردم در مسابقه‌‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

**چهار) ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم**

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. [تحلیل سیاسی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3460) و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملّت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتها و دخالتهای قدرتهای قلدر در امور ملّتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحتهای زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتّی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

**پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور**

خامساً: کفّه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیّت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اوّلیّه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفّق‌ترین حاکمیّتهای جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفّه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته‌ و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البتّه عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.

**شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه**

سادساً: عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس ‌از پیروزی انقلاب، بیش ‌از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادّی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروّج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسّط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دلهای مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل کندند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیّت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتّفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویّت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این [معجزه‌ای دیگر از انقلاب](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=3325) و نظام اسلامی فعّال و پیشرو است.

**هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان**

سابعاً: نماد پُرابّهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبّر و مستکبر، خصوصیّت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملّت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملّت را از کشور برانَد و پس از ‌آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدّت جلوگیری کند.

**انقلاب چهل‌ساله و گام بزرگ دوم**

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوّم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملّتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزّت، متدیّن، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، ر کورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فنّاوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلّول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیّت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجّهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمیبود -که متأسّفانه بود و خسارت‌بار هم بود- بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمیداشت.

**اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالشها و شکست مستکبران**

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران روبه‌رو است امّا با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمّال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سرِ حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از [منطقه‌ی غرب آسیا](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5071) و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و [مقاومت](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=11101) در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود،‌ امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملّت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیّتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبیند و البتّه باز هم در رویارویی، شکست میخورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملّت ایران در چشم جهانیان و عبورکرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

**جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی**

امّا راه طی‌شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواریِ گذشته‌ها نیست، باید با همّت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعّالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویّت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیّت دهند، از تجربه‌ها و عبرتهای گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

**نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور**

نکته‌ی مهمّی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیّتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیّتها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همّتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعّال و در پیشرفت مادّی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیّت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیّت جوان زیر ۴۰ ‌سال که بخش مهمّی از آن نتیجه‌ی موج جمعیّتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوّم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقّق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادّی با آن مقایسه نمیتواند شد.

**فهرست طولانی فرصتهای مادی کشور**

به‌جز اینها، فرصتهای مادّی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعّال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملّی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای [اعتمادبه‌نفس](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=998) کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیّت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملّی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیّت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوّع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوّع، بخشهایی از ظرفیّتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیّتها دست‌نخورده مانده است. گفته شده‌ است که ایران از نظر ظرفیّتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوّم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیّتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملّی ارتقاء یابد.

### گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی میکنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویّت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزّت ملّی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

امّا پیش از همه‌چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسیِ همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه میگویم یک امید صادق و متّکی به واقعیّتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده‌ دوری جسته‌ام، امّا خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال -و اکنون مانند همیشه- سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعّال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتّی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌ نشان دادن واقعیّتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه‌‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملّت ایران است؛ و البتّه دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش -که به برخی از آنها اشاره شد- در برابر چشم شما است. [رویشهای انقلاب](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1025) بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودلهای امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوّت خداداد، به سوی ‌آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و امّا توصیه‌ها:

#### یک) علم و پژوهش

۱) علم و پژوهش: دانش،‌ آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، امّا مؤکّداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملّت ما از متوسّط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود -یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسّط علم در جهان- به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فنّاوری ما در این مدّت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتّفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به‌خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

امّا آنچه من میخواهم بگویم این است که این راه طی‌شده، با همه‌ی اهمّیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را ‌آغاز کرده و با شتاب پیش میرویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدّی دراین‌باره تذکّر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با [احساس مسئولیّت](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2244) بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از [جهاد علمی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1667) شما بشدّت بیمناک است ناکام سازید.

#### دو) معنویّت و اخلاق

۲) معنویّت و اخلاق: معنویّت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکّل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیّات نیکو است. معنویّت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعّالیّتهای فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادّی، بهشت میسازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادّی، جهنّم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویّت، البتّه با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، امّا اوّلاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه‌ را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی دراین‌باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنّمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنّمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون [تهاجم](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1010) روزافزون دشمنان به دلهای پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی دراین‌باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البتّه به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌ِرو باید دراین‌باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاء‌الله.

#### سه) اقتصاد

۳) اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدیِ تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌‌ساز [نفوذ](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=6592) و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیّات و معنویّات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی‌ بر تولید انبوه و باکیفیّت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریّتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌ها‌ی دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتّی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریّتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیّت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیّت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویّتها و وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حلّ این مشکلات، [سیاستهای اقتصاد مقاومتی](http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370) است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیّت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیّتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهمّ این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلّط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیشِ‌رو باید میدان فعّالیّت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علّت تحریم هم مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، امّا منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و [افکار عمومی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1650) داخلی القاء میشود.

#### چهار) عدالت و مبارزه با فساد

۴) عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. [فساد اقتصادی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1048) و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیّت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیّتی فراتر از مشروعیّتهای مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیّت اجتماعی است، بسیار جدّی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتّی در عَلَوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر‌‌المؤمنین (علیه‌السّلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البتّه نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتّی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیّت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطانِ حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند دراین‌باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیّت و حسّاسیّت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطّبع با دستانی پاک و دلهایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدفهای اوّلیّه‌ی همه‌‌ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ‌عصر (ارواحنافداه) میسّر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البتّه در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دلهای مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیّتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدّت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان -که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله.

#### پنج) استقلال و آزادی

۵) استقلال و آزادی: استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به‌معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسانها‌یند و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملّت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیّت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی‌- موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

#### شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

۶) عزّت ملّی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصلِ [«عزّت، حکمت، و مصلحت»](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1940) در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه‌‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در [منطقه‌ی غرب آسیا](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5071) و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملّت ایران علاوه‌ بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میداند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقّت حفظ کند؛ از [ارزشهای انقلابی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2245) و ملّی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزّت کشور و ملّت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البتّه از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصوّر نیست و [مذاکره](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1045) با آن جز زیان مادّی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

#### هفت) سبک زندگی

۷) [سبک زندگی](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2633): سخن لازم دراین‌باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملّت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن‌شکن ملّت عزیز در بیست‌ودوّم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکّر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق میسایم. سلام بر حضرت بقیّة‌الله (ارواحنافداه)؛ سلام بر ارواح طیّبه‌ی شهیدان والامقام و روح مطهّر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملّت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیّدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷

# بیانات آقا در دیدار دانشجویی اول خرداد 98

….... خب، چند مطلب در ذهن من بوده که بگویم. اینها را در ذیل عنوان «بیانیّه‌ی گام دوّم» اینجا یادداشت کرده‌ام که بگویم. نه اینکه بخواهم راجع‌ به بیانیّه صحبت کنم امّا به مناسبت و به بهانه‌ی نام «بیانیّه‌ی [گام] دوّم» من این مطالبِ مورد نظرم را میخواهم به شما عرض بکنم.

## بیانیه گام دوم: ترسیمی از گذشته و حال و آینده انقلاب

 ببینید، «بیانیّه‌ی گام دوّم» یک ترسیم کلّی از گذشته و حال و آینده‌ی انقلاب بوده. خب چهل سال [از انقلاب] گذشته -یک ترسیم کلّی است، وارد جزئیّات نشدیم- یک تصویرسازی کلّی شده راجع ‌به مسائل اصلی انقلاب. چهار نقطه‌ی به‌اصطلاح اصلی در این بیانیّه مورد تأکید بوده:

 نقطه‌ی اوّل: «عظمت حادثه‌ی انقلاب». خیلی‌ها به این توجّه نمیکنند، خواستیم به این توجّه بشود، دقّت بشود: حادثه‌ی انقلاب؛ هم خود پدید آمدن انقلاب در این نقطه‌ی مشخّص جغرافیایی و در آن برهه‌ی مهمّ تاریخی، و بعد، ماندگاری انقلاب؛ بنابراین این یک نقطه است: عظمت انقلاب، هم از لحاظ وقوع، هم از لحاظ ماندگاری.

 نقطه‌ی دوّم: «عظمت راه طی‌شده و کارکرد انقلاب تا امروز»؛ [یعنی] نقطه‌ی مقابل حرف آن کسانی که اصرار دارند بگویند انقلاب نتوانسته کارکردی از خودش نشان بدهد. بنده در این بیانیّه این را -البتّه به طور مجمل و کوتاه- بیان کردم که نخیر، انقلاب کارکرد کاملاً برجسته و ممتاز در زمینه‌های گوناگون داشته؛ هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی اجتماعی، هم در زمینه‌ی علمی،‌ هم در زمینه‌ی عدالت، هم در زمینه‌ی آزادی. انقلاب در زمینه‌ی همه‌ی خواسته‌های مهمّ بشری و ملّی و بین‌المللی کارکردهای برجسته‌ای داشته. پس نقطه‌ی دوّم، عظمت کارکردهای انقلاب.

 نقطه‌ی سوّم که در این بیانیّه مورد نظر است، «عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم»؛ اینکه ما به کجا می‌خواهیم برسیم، می‌خواهیم چه کار کنیم، هدف ما کجا است.

## نقش نیروی جوان متعهد

 و نقطه‌ی چهارم: «عظمت نقش نیروی جوان متعهّد»؛ نه هر جوانی؛ جوانی که احساس تعهّد کند،‌ احساس مسئولیّت کند. عظمت نقش این قشر یعنی جوان متعهّد در این مسیری که در پیش رو داریم و در رسیدن به آن چشم‌انداز مورد نظر.

 این چهار نقطه‌ای است که ما اینجا خواستیم [بیان کنیم]. البتّه من عرض کردم به اجمال؛ در یک بیانیّه نمی‌شود خیلی این چیزها را تفصیل داد -یک کتاب یا دو کتاب باید نوشت- لکن جا برای تفصیل و فکر و مطالعه و تعمیق این حرفها وجود دارد.

 خب، ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البتّه این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً‌ با محوریّت جوان متعهّد است؛ جوان‌های متعهّد، محور این حرکتند. جوان هم که میگویم، لزوماً‌ مراد من جوان بیست‌ودوساله و بیست‌وپنج‌ساله نیست؛ البتّه از جوان‌های بیست‌ودوساله و بیست‌وپنج‌ساله خیلی کار برمی‌آید؛ واقعاً این‌ جوری است که این خواهر عزیزمان گفت، که بیست‌ساله‌ها را با شصت‌ساله‌ها مقایسه کرد که شماها هم همه برایش کف زدید؛ بنده بیست‌ساله و بیست‌وپنج‌ساله را [هم میگویم]؛ منتها وقتی من میگویم جوان، منظورم صرفاً‌ جوان دهه‌ی بیستی نیست؛ نه، سی‌ساله،‌ سی‌وپنج‌ساله، چهل‌ساله، اینها هم جوانند، یعنی اینها هم می‌توانند در همین عرصه نقش‌آفرینی کنند،‌ می‌توانند کار کنند؛ اینها هستند که اگر متعهّد باشند می‌توانند در نظام مدیریّت کشور یک تحوّل عظیمی را به وجود بیاورند.

## فرایند ورود جوانان

 خب، حالا یک سؤال اینجا مطرح میشود و آن، این است که فرایند ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟ حالا شما یک جوان متعهّد هستید، میخواهید در این حرکت عمومی حضور داشته باشید؛ شیوه‌ی حضور شما چگونه است؟ این، آن مطلبی است که من یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم؛ یک توضیحی باید بدهیم.

 ببینید، درست توجّه کنید! یک حرکتِ عمومیِ معقول و منضبط -منضبط! وقتی میگوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بَلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکتهای عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد- و صحیح و منتظم و عقلائی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد:

### شناخت از صحنه

 اوّلاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکتند یا لااقل تحریک‌کننده‌ی این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، میخواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصتهایش کدامها هستند، تهدیدهایش کدامها هستند، دشمنهایش چه کسانی هستند، دوستهایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.

### جهت‌گیری مشخص به سمت جامعه اسلامی

 یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخّصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملّت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدّن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدّن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. این هم عنصر دوّم.

### عامل امیدبخش: توجه به ظرفیت‌های خود و فرسودگی جبهه مقابل

 عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمیرود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیّت‌های ملّی‌ای که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتّی شما جوان‌ها ظرفیّتهای ملّت خودتان را شناخته‌اید. ملّت ایران نشان داده که می‌تواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده بربیاید؛ ملّت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را راه انداخت؛ اینها مثل معجزه است. تشکیل جمهوری اسلامی در دنیای دوقطبیِ کاپیتالیسم و کمونیسم -که آن روز بود- مثل یک معجزه است؛ واقعاً شبیه معجزه‌ی عبور از دریا برای بنی‌اسرائیل یا عصای موسی است؛ مثل یک معجزه است. خب ملّت ایران این کار را کردند؛ این یک ظرفیّت خیلی مهمّی است. بعد [هم] توانستند این را نگه دارند. دیگران هم از این کارها همین چند سال قبل از این [کردند]؛ دیدید دیگر؛ بعضی از این کشورهای منطقه‌ی شمال آفریقا و مانند آنها از این کارها کردند، امّا نتوانستند نگه دارند. ملّت ایران توانست نگه دارد. ملّت ایران توانست در مقابل ابرقدرت‌های بزرگ دوران سینه سپر کند، آنها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ پس این خودش یک نقطه‌ی امید است. پس ما این نقطه‌ی امید را داریم. البتّه نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است. یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه‌ی مقابل ما است. بنده به طور قاطع میگویم -البتّه یک عدّه‌ای فوراً بنا میکنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را میگویم، می‌توانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست- امروز تمدّن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است: عَلی شَفا جُرُفٍ هارٍ فَانهارَ بِه؛ فی نارِ جَهَنَّم؛ لب گودال است؛ این جوری است. البتّه حوادث و تحوّلات جوامع بتدریج اتّفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمیشود. حتّی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و میگویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدّن غربی، تمدّن مادّی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است؛ و بعد هم وعده‌ی تخلّف‌ناپذیر خدا که «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم».(۱۰) خب، وَمَن اَصدَقُ مِنَ اللهِ قیلًا؟(۱۱) چه کسی از خدا راستگوتر است؟ وعده‌ی ‌چه کسی از خدا درست‌تر است؟ خدا میگوید: اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدّن اسلام و جامعه‌ی اسلامی و تحقّق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می‌کند؛ نقطه‌ی امید. پس عنصر سوّم هم که وجود نقطه‌ی امید است، وجود دارد.

### راهکارهای عملی

 عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محلّ بحث ما اینجا است. **آنچه شما سؤال میکنید -یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است- همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست.** خب این چهار عنصری که گفتیم -همه‌ی اینها- که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعّال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پی‌گیری، فعّالیّت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکّل‌های دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعّال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعّال‌تر باشد، مؤثّرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعّالیّت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمیخورد.

[نمونه‌هایی از راهکارها]

 خب حالا نمونه‌هایی را من اینجا یادداشت کرده‌ام، نمونه‌هایی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیّت لازم را به آنها بدهد. نمونه‌هایی را من اینجا یادداشت کرده‌ام.

### ۱.‌ تشکیل کارگروه‌های فرهنگی

یکی تشکیل کارگروه‌های فرهنگی است؛ این کاری که الان دارد انجام می‌گیرد؛ این الان وجود دارد. بنده با بسیاری از اینها آشنا هستم، با بعضی، ارتباط هم دارم. کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور و در مساجد -که در صحبت یکی از دوستان هم اتّفاقاً همین بود- یکی از کارها است. این «آتش به اختیار» که من چندی پیش گفتم،(۱۳) مربوط به این مجموعه است، [یعنی] مجموعه‌های فعّال در زمینه‌های فرهنگی که اینها می‌توانند تأثیرگذاری عمیقی داشته باشند. از اوّل انقلاب هم همین جور بوده، الان هم همین جور است. الان هر جایی که شما یک گروه جوان را پیدا کنید -جوان متشکّل و بافکر و صاحب ذهن فعّال- که دست به کار فرهنگی میزنند مثلاً در یک مسجدی، در یک هیئتِ عزاداری‌ای -همین طور که دوستان بیان کردند-اینها می‌توانند روی جوان‌ها تأثیر بگذارند، روی محلّه تأثیر بگذارند، روی خویشاوندان تأثیر بگذارند، روی مجموعه‌های دانشجویی تأثیر بگذارند، یک حرکتی، یک عزمی، یک بینش و بینایی‌ای را در یک مجموعه‌ای به وجود بیاورند.

### ۲.‌ گروه‌های فعالیت سیاسی

 یک کار دیگر، تشکیل گروه‌های فعّالیت‌ سیاسی [است]؛ البتّه منظورم حزب‌بازی نیست. حزب‌بازی کاری است که بنده برکتی در آن احساس نمیکنم؛ امّا کار سیاسی فقط حزب‌بازی نیست؛ نشستن، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، فهمیدن، منتقل کردن، یکی از آن کارهای بسیار اساسی است که حرکت عمومی جامعه را تسریع می‌کند، شکل می‌دهد و کمک می‌کند؛ یکی از کارها این است.

### ۳.‌ میزگردها و کرسی‌های آزاد‌اندیشی

 تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها که بنده مکرّر این را تکرار کرده‌ام و تأکید کرده‌ام و توصیه کرده‌ام؛ و خب خیلی پیشرفتی نداشته. چه کسی باید این را بکند؟ [اگر] منتظر باشید که رئیس دانشکده یا معاون فرهنگی یا مانند اینها بکنند، فایده‌ای ندارد؛ خودتان باید بکنید. در دانشگاه‌ها کرسی‌های آزاداندیشی را باید تشکیل بدهید؛ منتها همین طور که گفتم همه‌ی این حرکتها باید منضبط باشد؛ با انضباط، با پیش‌بینی، با مطالعه‌ی خوب از سوی افرادی که صاحب ذهن فعّال و زبان گویا هستند راه [بیفتد]؛ اینها حتماً کمک می‌کند، تأثیر میگذارد. الان مجموعه‌ی دانشجویانی که همراه با تشکلّ‌ها هستند، درصد بالایی از دانشجوهای کشور نیست. اگر چنانچه شما این کارها را بکنید، این درصد قطعاً رشد خواهد کرد. خب دانشجویی که متعهّد نباشد یا سرگرم کارهای بی‌ربط باشد، در پیشرفت کشور هیچ تأثیر مثبتی نمیگذارد اگر تأثیر منفی نگذارد. شما می‌توانید تأثیرگذاری کنید با همین [کار]. یک فصل هم این؛ یعنی یکی از راهکارهایی که ذکر میشود همین است.

### ۴.‌ تشکیل گروه‌های نهضتی

 یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان [است]. همین طور که اشاره کردم بعضی از مجموعه‌ها این کارها را کرده‌اند. فرض کنید دعوت کردند از دانشجوهای فعّال کشورهای مقاومت که در تهران یا در بعضی شهرستان‌های دیگر آمدند، جمع شدند، جلسات خوبی هم بوده، به ما هم خبرش رسید و از این قبیل کارها میشود کرد؛ یعنی فعّال شدن در زمینه‌ی مسائل جهان اسلام. گروه‌هایی تشکیل بشوند و این کارها را دنبال بکنند: مسائل غزّه، مسائل فلسطین، مسئله‌ی یمن، مسئله‌ی بحرین، مسائل مربوط به مسلمانهای میانمار، مسائل مربوط به مسلمانهای اروپا -یکی از مسائل قابل بحث ما در محیط‌های فعّال دانشجویی مسلمانهای اروپایند که خب داستانی است- مسئله‌ی حوادثی که در بعضی از کشورها [پیش آمده]؛ مثلاً حوادث پاریس قابل بررسی است، قابل مطالعه است، قابل فعّال شدن است، یعنی در رابطه‌ی با این حوادث و حوادث منطقه یک مجموعه‌ی دانشجویی می‌تواند فعّال بشود؛ این هم یکی از راهکارها است.

### ۵. ۶. ۷. تشکیل گروه‌های علمی، اقتصادی و خدماتی جهادی

 یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی [است]. یک راهکار دیگر همکاری با شرکتهای دانش‌بنیان و کار اقتصادی [است]. یک راهکار بسیار مهم دیگر کارهای خدماتی [است؛ یعنی] همین کارهای گروه‌های جهادی که میروند به این مناطق مختلف که یکی از بهترین کارهای دانشجویی است؛ هر چه اینها توسعه پیدا کند و تقویت بشود و جهت‌دارتر و هدف‌دارتر بشود بهتر است؛ اینها تقویت جسم و روح و ایجاد آن حرکت عمومی است.

### ۸. فعالیت اطلاعاتی مردمی

 فعّالیّتهای اطلاعاتی مردمی. خیلی از کارهایی که دستگاه‌های اطّلاعاتی ما یا نمی‌توانند انجام بدهند یا به دلایل مختلفی لابه‌لای کارها میماند، گاهی به وسیله‌ی عناصر هوشیار و آگاه اطّلاع‌‌رسانی میشود و تأثیر داشته. به خود ما گاهی اطّلاع‌‌رسانی شده، تأثیر کرده و دنبال شده و کارهای مثبتی انجام گرفته. فرض کنید [اطّلاع‌رسانیِ] یک سوء استفاده در زمینه‌ی قاچاق، در زمینه‌ی واردات گوناگون؛ مثل همین‌هایی که حالا یکی از دوستان اینجا اسم آوردند، خوراک سگ و امثال اینها؛ مجموعه‌هایی می‌توانند در این زمینه‌ها فعّال باشند.

### ۵۰ فعالیت اجتماعی

 کارهای اجتماعی.

ببینید، الان در این فهرستی که من گفتم تا حالا هفت هشت تا، ده دوازده تا راهکار شده؛ از این قبیل پنجاه تا راهکار میشود پیدا کرد.

فعّالیّتهای اجتماعی، مثل همین کارهایی که گفتم در زمینه‌ی هفت‌تپّه(۱۴) و مانند اینها که بچّه‌های دانشجو انجام دادند، کارهای بسیار خوبی است. کارگروه‌هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند امّا بایستی هدایت بشوند، باید برنامه‌ریزی بشود. همه‌ی این کارها باید به وسیله‌ی جوان‌ها برنامه‌ریزی بشود. البتّه همه‌ی اینها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلّی که عرض کردم [یعنی] در جهتِ رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت -که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند- باید به آن جهت‌گیری توجّه داشته باشند.

## ورود جوان به عرصه مدیریت کشور

نتیجه‌ی اینها چه میشود؟ اینجا من این‌ جور یادداشت کرده‌ام که سرانجام [اینها]، کشاندن نسل جوان متعهّد به عرصه‌ی مدیریّت کشور [است]، که یکی از دوستان گِله میکردند که جوان‌ها را به عرصه‌ی مدیریّت راه نمی‌دهند. خب چه ‌جوری وارد عرصه‌ی مدیریّت می‌شوند؟ ورود در عرصه‌ی مدیریّت برای نسل جوان از این راه‌ها اتّفاق می‌افتد و طبعاً اگر نسل جوان وارد عرصه‌ی مدیریّت شد، و مدیران ارشد نظام از جمله‌ی جوان‌های متعهّد [شدند] -که من گفتم جوان‌های متعهّد حزب‌اللهی، یعنی واقعاً باید حزب‌اللهی باشند؛ به معنای درست کلمه‌ی حزب‌اللهی- آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می‌کند، سرعت پیدا می‌کند و انجام می‌گیرد. پس بنابراین این سؤال که جوان چگونه می‌تواند وارد میدان این حرکت عمومی بشود، به نظر من پاسخ‌های روشنی دارد که من یک مقداری از آنها را گفتم.

البتّه این تحرّکات نباید به کار علمیِ مجموعه‌ی دانشجوی جوان لطمه بزند؛ با هم منافات هم ندارد. یعنی اینکه شما بگویید «راهبرد بلند‌مدّت نظام، پیشرفت علمی و شکستن خطوط کنونی علم و رفتن به جلو است» درست است. ما قلّه‌ی علم را بلاشک باید فتح کنیم، [امّا] این کارها باید مانع آن نشود؛ منافات هم ندارد، می‌توان همین کار را کرد و می‌توان حرکت علمی هم کرد؛ می‌توان در رشته‌های مختلف، دانشجوی برجسته‌ی صاحب رتبه‌های بالا بود و در عین حال در گروه جهادی حضور داشت، در هیئت دانشجویی حضور داشت، در مجموعه‌های خدماتی حضور داشت، در کار نشریّاتی حضور داشت.

# درباره بیانیه گام دوم

در چهلمین سالگرد پیروزی نهضت امام خمینی، بیست و دوم بهمن ماه سال ۱۳۹۷ رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیانیه‌ی مهمی صادر کردند. در این پیام مهم به گذشته، حال و آینده‌ی انقلاب اشاره شده و مسیر رسیدن به آینده‌ی روشن تمدن اسلامی ترسیم گشته است. ۱. عظمت حادثه انقلاب، ۲. عظمت راه طی شده و کارکرد انقلاب تا به امروز، ۳. عظمت چشم‌انداز پیش رو و ۴. نقش نیروی جوان متعهد در این مسیرِ مبارک، مطالبی است که به ترتیب در این بیانیه آمده است.

## مخاطب بیانیه

معمولا گمان می‌شود «بیانیه گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران صادر شده است. این تصور، گمان درستی نیست و همان گونه که در متن بیانیه به صراحت آمده است مخاطب این متن، جوانان‌اند نه همه‌ی ملت ایران. رهبر انقلاب فرموده‌اند:

«اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم».

در جای دیگری نیز آورده‌اند:

«جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوّم را در پیشبرد آن بردارید».

البته و بدون شک همه‌ی ملت ایران و همه‌ی غیرجوانان وظیفه دارند که برای تحقق بیانیه اقدام کنند؛ ولی کاری که آنان باید انجام دهند این است که مخاطبان اصلی بیانیه یعنی جوانان، هم بیانیه را بفهمند و هم زمینه‌ی لازم برای تحقق آن را داشته باشند. اگر بخواهیم این بیانیه را محقق کنیم باید راه را باز کنیم و جوان را آماده و مجهز سازیم تا وظایف مورد نظر رهبری را به خوبی بر دوش گیرد و ساختار را به گونه‌ای همراه کنیم که این مهم انجام شود.

## سخن اصلی بیانیه

اگر بخواهیم این پیام مفصل را در یک جمله خلاصه کنیم و برای آن یک نمایه‌ی محتوایی پدید آوریم به چنین عبارتی می‌رسیم: **«دعوت از نسل جوان برای ورود به عرصه‌ی مدیریت نظام و احساس مسئولیت نسبت به حل مسائل انقلاب».**

رهبری معظم، نسل جوان را برای پذیرش بار سنگین مسئولیت‌های انقلاب فرامی‌خواند. به نسلی که انقلاب را پدید آورده، «خسته نباشید» می‌گوید و به نسل جوان فرمان آمادگی می‌دهد. یعنی نسل اول، در یک حرکت امدادی تاریخی، باید بار مسئولیت انقلاب را به نسل بعد انتقال دهد. این، سخن اصلی و روح محتوای بیانیه است که ساختار محتوا و آرایش موضوعات آن را فاش می‌سازد. به این صورت که راهبر امت، در مقام انتقال این مسئولیت عظیم باید برای جوان تبیین می‌کنند که:

* **حقیقت و ماهیت این انقلاب چه بود و ما چه چیزی را به او تحویل می‌دهیم؟**
* **در طول این مدت تا کدام نقطه آمده‌ایم؟**
* **از این‌جا به بعد، چه مسیری پیش رو داریم؟**
* **چگونه باید این مسیر را ادامه داد و پیمود؟**

ابتدای بیانیه که ماهیت انقلاب اسلامی بیان شده است پاسخ سوال اول است.

سوال دوم (تا کجا آمده‌ایم؟) در بخش دستاوردهای انقلاب ذکر شده است.

«کجا باید برویم؟» همان بحث تمدن اسلامی است.

و «چگونه باید برویم؟» همان محورهای هفت‌گانه که در انتهای پیام ارایه شده است.

و بدین ترتیب یک بسته‌ی هوشمندانه، ناظر به آن هدف محوری طرح شده است.

اشتباه کمابیش رایج در فهم مفاد این بیاینه این است که چون این متن از مفاهیم درخشان، ارزشمند و کلیدی مشحون است روح کلی و مقصود اصلی آن مورد توجه واقع نمی‌شود و در معرض جزیی‌نگری قرار می‌گیرد. اگر به این رشته انسجام توجه نکنیم و فهم ما از این متن، در حد مجموعه‌ای پراکنده از مفاهیم بنیادین انقلاب باشد، مقصود رهبری را متوجه نشده‌ایم، و آنچه انجام می‌دهیم بیشتر در اندازه‌ی خدماتی جزیی است؛ اما اگر مقصود اصلی و دالّ مرکزی بیانیه را تشخیص داده باشیم، همه‌ی این مفاهیم جزیی را ذیل آن روح حاکم، خوشه و زنجیره می‌کنیم.

## آمادگی نسل جوان برای اجابت رهبری

برای اینکه جوان بتواند امر رهبری را اطاعت کند و با احساس مسئولیت به میدان انقلاب آید، بی‌تردید باید آمادگی‌هایی داشته باشد.

* این آمادگی‌ها چگونه ایجاد می‌شود و ما چه کاری برای این موضوع باید انجام دهیم؟
* به چه صورت نسل جوان را آماده کنیم تا بار مسئولیت اجتماعی را به دوش بکشد؟
* آیا جوان امروز برای این امر آماده است؟
* آیا جوان درک درستی از این تکلیف تاریخی دارد؟
* آیا دانش، توان و مهارت آن را دارد؟
* چه کنیم که هم درک آن را پیدا کند و هم توانش را بیابد؟

اگر بخواهیم به نام بیانیه و ذیل آن همایشی برگزار کنیم یا در راستای ترویج آن کاری انجام دهیم، باید موضوع آن را «انتقال مسئولیت انقلاب به نسل جوان» قرار دهیم. باید بر روی این موضوع بیندیشیم و گفتگو کنیم و البته برای آن سازه‌کاری پدید آوریم.

خود رهبری در اول خرداد سال ۱۳۹۸ در شرح و بسط بیانیه برای دانشجویان به این سوال تصریح کرده‌اند:

«حالا یک سؤال اینجا مطرح می‌شود و آن، این است که فرایند ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟ حالا شما یک جوان متعهّد هستید، می‌خواهید در این حرکت عمومی حضور داشته باشید؛ شیوه‌ی حضور شما چگونه است؟ این، آن مطلبی است که من یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم».... «بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محلّ بحث ما اینجا است. آنچه شما سؤال می‌کنید - یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است - همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟».

از این عبارات چنین برمی‌آید که برای تحقق این بیانیه باید جوان را به میدان آوریم به گونه‌ای که با تعهد، جدیت و احساس رسالت در مسیر خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار گیرد و برای این منظور باید به دنبال راهکارهای موثر باشیم. بی‌تردید این فرایند به فکر و برنامه‌ریزی نیاز دارد. چه کسی باید برای این موضوع برنامه‌ریزی و هدایت کند؟ آقا فرموده‌اند:

«مسئله‌ی راهکارهای عملی احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پی‌گیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند».

پس اگر ما بخواهیم به تحقق بیانیه کمک کنیم باید روی این نقطه متمرکز شویم که جوان را با آگاهی و آمادگی و تجهیزات لازم به میدان انقلاب بیاوریم و انگیزه و احساس مسئولیت لازم را در او پدید آوریم.

## راهکار پیشنهادی رهبری: مشق کنشگری اجتماعی جوان در قالب کارگروه‌های حل مسائل انقلاب

رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویی (اول خرداد 98)، پس از تبیین ماهیت بیانیه (ترسیم کلّی از گذشته و حال و آینده‌ی انقلاب و نقش نیروی جوان متعهّد) فرایند ورود جوانان به این حرکت عمومی را توضیح داده‌اند. ایشان در این باره فرمودند اگر جوان می‌خواهد در این حرکت عمومی به شکل معقول و منضبط حضور داشته باشد؛ اوّلاً به شناخت درست از صحنه و ثانیا به جهت‌گیری مشخص به سمت جامعه و تمدن اسلامی و ثالثا به عامل امیدبخش (توجه به ظرفیت‌های خود و فرسودگی جبهه مقابل) نیاز دارد.

رهبر انقلاب در ادامه، راهکاری را برای آماده‌سازی نسل جوان و به قول خود ایشان: «کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیّت لازم را به آنها بدهد» بیان می‌کنند.

راهکار ایشان این است که جوان برای آمادگی نسبت به پذیرش مسئولیت سنگین انقلاب باید در «قالب گروهی» (کارگروه) با «دغدغه‌ی انقلابی» و «ناظر به افق تمدن اسلامی» فعالیت کند.

تا جوان مشق فعالیت اجتماعی نداشته باشد آماده‌ی فعالیت اجتماعی نمی‌شود. تا جوان تمرین کنشگری نکرده باشد امکان حضور اجتماعی موفق ندارد و تا کسی در زمین خاکی محل بازی نکرده باشد شایستگی حضور در تیم ملی را ندارد.

نمونه‌هایی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأنِ محور بودنِ حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیّت لازم را به آنها بدهد. ... یکی تشکیل کارگروه‌های فرهنگی است؛ ... یک کار دیگر، تشکیل گروه‌های فعّالیت‌ سیاسی [است]؛ ... سوم تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها که بنده مکرّر این را تکرار کرده‌ام و تأکید کرده‌ام ... یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان [است]. ... یک راهکار دیگر تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی [است]. یک راهکار دیگر همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و کار اقتصادی [است]. یک راهکار بسیار مهم دیگر کارهای خدماتی [است؛ یعنی] همین کارهای گروه‌های جهادی که می‌روند به این مناطق مختلف که یکی از بهترین کارهای دانشجویی است؛ ... [راهکار دیگر] فعّالیّت‌های اطلاعاتی مردمی [است] ... و کارهای اجتماعی. ببینید، الان در این فهرستی که من گفتم تا حالا هفت هشت تا، ده دوازده تا راهکار شده؛ از این قبیل پنجاه تا راهکار می‌شود پیدا کرد ... امّا بایستی هدایت بشوند، باید برنامه‌ریزی بشود. همه‌ی این کارها باید به وسیله‌ی جوان‌ها برنامه‌ریزی بشود. البتّه همه‌ی اینها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلّی که عرض کردم [یعنی] در جهتِ رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدّن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت -که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند- باید به آن جهت‌گیری توجّه داشته باشند.

در نهایت آقا فرموده‌اند:

«نتیجه‌ی اینها چه می‌شود؟ اینجا من این‌ جور یادداشت کرده‌ام که سرانجام [اینها]، کشاندن نسل جوان متعهّد به عرصه‌ی مدیریّت کشور [است]، که یکی از دوستان گِله می کردند که جوان‌ها را به عرصه‌ی مدیریّت راه نمی‌دهند. خب چه ‌جوری وارد عرصه‌ی مدیریّت می‌شوند؟ ورود در عرصه‌ی مدیریّت برای نسل جوان از این راه‌ها اتّفاق می‌افتد و طبعاً اگر نسل جوان وارد عرصه‌ی مدیریّت شد، و مدیران ارشد نظام از جمله‌ی جوان‌های متعهّد [شدند] ... آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می‌کند، سرعت پیدا می‌کند و انجام می‌گیرد».

نتیجه‌ای که رهبر انقلاب فرموده‌اند (کشاندن نسل جوان متعهّد به عرصه‌ی مدیریّت کشور) بسیار مهم است. زیرا دست یافتن به این نتیجه، معیار درست بودن فعالیت ما و محک ارزیابی این تلاش‌ها خواهد بود. اگر این نتیجه حاصل شود معلوم است که راه را درست رفته‌ایم و آنچه مطلوب رهبری است محقق گشته است و اگر هزار فعالیت مفید انجام دهیم و به این نتیجه دست نیابیم آب در هاون کوبیده‌ایم.

## تربیت انقلابی نسل جوان

برای تربیت انقلابی نسل جوان و تحقق مطالبه‌ی رهبری در بیانیه گام دوم چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد ابتدا باید جوانان را برای برداشتنِ بارِ انقلاب آماده سازیم و سپس این بار را بر دوششان نهیم. برای این هدف باید جوان انقلابی را هم‌زمان به دو سرمایه‌ی بزرگ مجهز کنیم:

1. بینش و تفکر انقلابی
2. کنش انقلابی؛ مجاهدت، قیام لله و حضور در صحنه انقلاب، فعالیت اجتماعی در راستای آرمان تمدن‌سازی اسلامی

انتقال بینش و تفکر انقلابی نیاز به کلاس درس، کارگاه‌های حضوری، برنامه‌های مطالعاتی و فعالیت‌های ترویجی دارد. برنامه‌هایی شبیه دوره اسلام ناب، دوره نظام جامع اندیشه اسلامی، طرح ولایت، سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری و مقام رهبری به این هدف شکل گرفته و تجربه‌ی سترگی را فراهم آورده است؛‌ البته این دوره‌ها، هم از نظر کمّی و هم از نظر کیفی باید تقویت شود و توسعه یابد.

اما مطلوبیت دوم یعنی کنشگری فعال اجتماعی و حرکت انقلابی جوان با چه طرحی صورت می‌گیرد؟

طرح پیشنهادی رهبر انقلاب برای این منظور، «تشکیل کارگروه‌های فعالیت اجتماعی و انقلابی» است. در این کارگروه‌ها با تلاش برای حل مسائل انقلاب و تمرین نقش‌آفرینی اجتماعی، علاوه بر اینکه روحیه‌ی احساس مسئولیت و حضور پرشور و خودجوش انقلابی و درد و دغدغه نظام اسلامی و تمدن‌سازی توحیدی در یک قالب جمعی و تشکلی تقویت می‌شود، مهارت‌‌های فعالیت اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت و باورها و بینش‌های انقلابی نیز راسخ‌تر می‌گردد.

با ورود مستقیم نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و راهبر جامعه اسلامی به این موضوع و صدور بیانیه‌ی گام دوم خطاب به جوانان و پیشنهاد تشکیل کارگروه‌ها به آنها، وظیفه‌ی ما بسیار سخت و سنگین شده است و اکنون هیچ عذر و بهانه‌ای برای تعلل یا رها کردن آن وجود ندارد.

بنابراین مهم‌ترین برنامه‌ی کنونی ما برای جوانان عموما و برای طلاب جوان خصوصاً، زمینه‌سازی برای ایجاد این کارگروه‌ها است. گام دوم گام حضور جوانان است و به امر مستقیم راهبر جامعه اسلامی لازم است همه اهتمام ورزند تا جوان در این مسیر دشوار حاضر و فعال باشد.

مجددا توجه به این هشدار لازم است که صدها اقدام فرهنگی مفید و موثر برای جوانان هرچند به ظاهر رضایت‌بخش باشد اجابت درخواست رهبری و اجرای امر مستقیم ایشان در گام دوم انقلاب نیست و بار مسئولیت را از شانه‌ی ما برنمی‌دارد. تبیین و تفسیر متن بیانیه هم کافی نیست. در نظر بگیرید یک گروه کارشناس برای حل مشکل آب لوله‌کشی منطقه‌ای محروم، گزارش مبسوطی مشتمل بر تحلیل مشکلات اقتصادی، جغرافیایی و انسانی آن منطقه و ارائه‌ی توصیه‌ها و راهکارهای عملیاتی تهیه کرده‌اند.

مطالعه و مرور این گزارش و برگزاری کلاس‌های روش فهم آن یا تدوین درسنامه و تالیف شرح و تعلیقه بر آن و تشکیل دوره‌های تربیت مدرس درباره‌ی آن، مشکل آب لوله‌کشی را حل نخواهد کرد. باید به آن توصیه‌ها عمل کرد و آن راهکارها را به کار گرفت. به همین ترتیب انواع کلاس‌ها و کارگاه‌هایی که به هدف شرح و بسط و تبیین بیانیه یا تربیت مدرس برای آن صورت گرفته است همه مقدمه یک اقدام اساسی است که نباید فراموش گردد.

رهبر انقلاب این بیانیه را در قامت یک راهبر اجتماعی و نه صرفا در قامت یک معلم صادر کرده‌اند. یعنی غرض از صدور بیانیه صرفا آموختن معارف انقلاب اسلامی نبوده است بلکه به حرکت درآوردن نسل جوان و توده مردم برای برداشتن گام جدید و حضور در عرصه اقدام و نقش‌آفرینی بوده است و به همین جهت آن را «گام دوم» نامیده‌اند.

 اکنون پرسش‌های ما در مقام اجابت فرمان رهبری و مطالبه نایب امام زمان عج چنین خواهد بود:

* متولی ایجاد کارگروه‌ها چه کسی است؟ کدام نهادها مسئولیت انگیزش جوانان و هدایت و حمایت آنان را برای ایجاد این کارگروه‌ها برعهده دارند؟
* چه زمینه‌ها و مقدماتی برای شکل‌گیری موثر این کارگروه‌ها لازم است؟ این زمینه‌سازی برعهده‌ی کیست؟
* چه همکاری‌هایی برای پیدایش این کارگروه‌ها باید انجام شود؟
* چگونه جوانان را بر ایجاد این کارگروه‌ها برانگیزیم؟
* چه راهنمایی‌هایی را برای ایجاد کارگروه‌ها در اختیار جوانان بگذاریم؟
* جوانان برای ایجاد بهینه این کارگروه‌ها چه مهارت‌هایی نیاز دارند؟
* چه آسیب‌ها و آفاتی بر این کارگروه‌ها مترتب است؟ برای پیش‌گیری از آنها چه باید کرد؟
* انواع کارگروه‌ها و انواع موضوعاتی که کارگروه‌ها حول آن شکل می‌گیرند کدام است؟
* چه کسی مسئولِ آماده‌سازیِ جوانان است؟ در زمانه‌ای که نهادهای رسمی و غیررسمی از تربیت مدیرانِ جوانِ انقلابی ناتوان بوده‌اند، کدام مرکز و مجموعه بر آماده‌سازی، رشد و ارتقای همه‌جانبه جوانان متمرکز شود؟
* آیا جوانان خودشان می‌توانند به تنهایی برای برداشتن این بارِ سنگین آماده شوند؟

خلاصه اینکه راهکار عملی برای نقش‌آفرینی جوان «تشکیل کارگروه‌های جمعی موثر و آتش به اختیار ناظر به اهداف و مقاصد نهضت اسلامی» است. کارگروه‌هایی در زمینه‌های مختلف که به تصریح رهبری: «کشاندن نسل جوان متعهّد به عرصه‌ی مدیریّت کشور و ورود در عرصه‌ی مدیریّت برای نسل جوان از این راه اتّفاق می‌افتد».

این طرح روشن و بیان بسیار صریح باید پی‌گیری و اجرایی شود. برای این منظور لازم است یک نهاد حوزوی، دانشگاهی یا مانند آن، متولی ایجاد، حمایت و هدایت این کارگروه‌ها و فرهنگ‌سازی متناسب با آن باشد. بی‌تردید حوزه علمیه نباید منتظر سایر نهادها بماند و مانند همیشه باید پیشگام و پیش‌کسوت این حرکت مهم گردد و جوانان را برای پذیرش بار مسئولیت انقلاب سازماندهی کند و آنان را در این مسیر پرشکوه مشق دهد و ورزیده سازد.[[1]](#footnote-1)

توجه کنیم که انجام هزار فعالیت فرهنگی خوب یا اقدام اجتماعی مثبت توسط مسئولان، جایگزین این مطالبه رهبری نخواهد شد. این که مسئولان خود به استقلال، در میدان حضور داشته باشند و شبانه‌روز تلاش و مجاهدت کنند خوب است؛ اما جایگزین حضور جمعیِ مردم خصوصا جوانان نخواهد شد. جوانان، باید به میدان بیایند و با احساس مسئولیت نقش‌آفرینی کنند و مسئولان باید به مردم و جوانان میدان بدهند و زمینه این حضور و جوشش و اقدام را فراهم آورند و با استقبال از حضور و کنشگری آنان در صحنه آنها را رشد دهند و به کار گیرند.

# بیانیه گام دوم و اخلاق و معنویت اسلامی

محمد عالم‌زاده نوری

کسانی که با اندیشه‌ی رهبری آشنا بودند و آثار ایشان را مطالعه می‌کردند، پس از انتشار بیانیه‌ی گام دوم، با این سوال مواجه شدند که این پیام حاوی چه نکته‌ی تازه‌‌ای است؟ چند روز پیش از انتشار این بیانیه اعلام شده بود که رهبری در حال نوشتن مطلب مهمی هستند و عن‌قریب از یک پیام ویژه رونمایی خواهند کرد. این خبر توقع مخاطبان را افزایش داده و این انتظار را پدید آورده بود که در آن بیاینه سخن خاص و بدیعی ارایه خواهد شد.

اما علی‌رغم این انتظار در نظر نخست به نظر می‌رسید که این پیام نکته‌ی تازه‌ای ندارد، کسانی که مستمرا سخنان آن بزرگمرد را پی‌‌گیری می‌کردند هر یک از فقرات و مفاهیم مندرج در آن را در رهنمودهای پیشین ایشان دیده و شنیده بودند؛ با توضیح و تفصیل مستوفا و جزییات بیشتر. مثلا رهبر معظم انقلاب بحث تمدن اسلامی را دو دهه پیش مطرح کرده بودند. همان زمان تا اندازه‌ی بر روی آن کار شده بود و بر اساس آن گفتمانی شکل گرفته بود. بحث سبک زندگی نیز در سال ۹۱ در خراسان شمالی (بجنورد) مطرح شد و بر اساس آن یک جریان فکری و فرهنگی شکل گرفت. بحث دستاوردهای انقلاب، نهضت تولید علم یا جنبش نرم‌افزاری، عزت ملی، عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی، و خلاصه تمام کلیدواژه‌های بیانیه، در آثار گذشته‌ی آقا و سخنرانی‌ها و پیام‌های ایشان مبسوط‌تر و مفصل‌تر و با جزئیات بیشتر و توضیحات وافی مطرح شده بود.

برخی در پاسخ به این سوال که «چه نکته‌ی ویژه‌ای در این بیانیه هست و منظور اصلی رهبری از این متن چه بوده است» می‌گفتند این بیانیه خلاصه‌ و فشرده‌ی معارف انقلاب است و لطفش در این است که همه‌ی آن مفاهیم بلند را یک جا و جامع، در یک بسته‌بندی جدید و یکپارچه عرضه کرده است.

آیا چنین است؟

اگر با این دغدغه و به دنبال پاسخ به این سوال، متن بیانیه را چند نوبت پشت سر هم مطالعه کنیم کشف جدیدی رخ خواهد داد.

سخن اصلی و دال مرکزی این متن که اتفاقاً سخن تازه‌ای است و تمام بیانیه ناظر به آن و برای بسط و تفصیل آن نوشته شده است این است که رهبری معظم، نسل جوان را برای پذیرش بار سنگین مسئولیت‌های انقلاب فرامی‌خواند. به نسلی که انقلاب را پدید آورده، می‌فرماید: «خسته نباشید» و به نسل جوان می‌گوید: «آماده باشید». یعنی نسل اول، در یک دوی امدادی تاریخی، بار مسئولیت انقلاب را به نسل بعد انتقال دهد.[[2]](#footnote-2) 40 سال، عمر مفید یک نسل است و بعد از آن، نسل تازه‌نفس باید خود را مکلف به امتداد این حرکت ببیند. جالب و تامل‌برانگیز اینکه در ۴۰ سالگی انقلاب که جوان برای ورود به صحنه اقدام اجتماعی فراخوانده می‌شود، در این بیانیه، 40 مرتبه، کلمه‌ی "جوان" به کار رفته است.

این، سخن اصلی و روح محتوای بیانیه است که ساختار محتوا و آرایش موضوعات آن را فاش می‌سازد. به این صورت که راهبر امت، در مقام انتقال این مسئولیت عظیم باید برای جوان تبیین کند که:

1. حقیقت و ماهیت این انقلاب چه بود و ما چه چیزی را به او تحویل می‌دهیم؟
2. در طول این مدت تا کدام نقطه آمده‌ایم؟
3. از این‌جا به بعد، چه مسیری پیش رو داریم؟
4. چگونه باید این مسیر را پیمود؟

ابتدای بیانیه که ماهیت انقلاب اسلامی گفته شده است پاسخ سوال اول را بیان می‌کند.

سوال دوم (تا کجا آمده‌ایم؟) در بخش دستاوردهای انقلاب ذکر شده است.

«کجا باید برویم؟» همان بحث تمدن اسلامی است.

و «چگونه باید برویم؟» همان محورهای هفت‌گانه که در انتهای پیام ارایه شده است.

و بدین ترتیب یک بسته‌ی هوشمندانه، ناظر به آن هدف محوری طرح شده است.

اشتباه کمابیش رایجی که در فهم مفاد این بیاینه صورت می‌گیرد این است که چون این متن از مفاهیم درخشان، ارزشمند و کلیدی مشحون است روح کلی و مقصود اصلی آن مورد توجه واقع نمی‌شود و در معرض جزیی‌نگری قرار می‌گیرد.

اگر به این رشته انسجام توجه نکنیم و فهم ما از این متن، در حد مجموعه‌ای پراکنده از مفاهیم بنیادین انقلاب باشد، مقصود رهبری را متوجه نشده‌ایم، و آنچه انجام می‌دهیم بیشتر در اندازه‌ی خدماتی جزیی است؛ اما اگر مقصود اصلی و دالّ مرکزی بیانیه را تشخیص داده باشیم، همه‌ی این مفاهیم جزیی را ذیل آن روح حاکم، خوشه و زنجیره می‌کنیم.

اقدامات برخی نهادها درباره گام دوم انقلاب با همین خطا مواجه است. مثلا همایشی با عنوان «گام دوم و تمدن اسلامی» برگزار شده است. این همایش باید دو دهه‌ی پیش یعنی زمانی که موضوع تمدن اسلامی محور بیانات رهبری بود برگزار می‌شد. و البته همان زمان، کارهایی از این قبیل صورت گرفت: همایش‌هایی در موضوع تمدن اسلامی برگزار شد، مقالات و کتاب‌های زیادی نوشته شد، مراکز آموزشی، گروه‌های پژوهشی، رشته‌ و کتاب درسی و کارهای ترویجی فروانی انجام شد و آثار متعددی به بار نشست. بی‌شک آن تلاش‌ها کافی نیست و باید ادامه یابد، اما اینکه به نام بیانیه‌ی گام دوم، همایش تمدن اسلامی برگزار کنیم، ناشی از بی‌توجهی به روح محتوای بیانیه است. پیام اصلی این بیانیه نه اخلاق و معنویت است. نه سبک زندگی، نه عدالت اجتماعی، نه عزت ملی، نه نهضت نرم‌افزاری ...

این مواجهه به تحریف معنوی بیانیه منتهی می‌شود و هدف اصلی آن را به محاق می‌برد. اگر مدلول اصلی یک متن را پنهان کنیم و مدام به شاخ و برگ‌ها و مقدمات و مؤخرات واجزای آن بپردازیم آن را تحریف کرده‌ایم.

بنابراین اگر بخواهیم به نام بیانیه و ذیل آن همایشی برگزار کنیم یا در راستای ترویج آن کاری انجام دهیم، باید موضوع آن انتقال مسئولیت اجتماعی به نسل جوان باشد. باید بر روی این موضوع بیندیشیم و گفتگو کنیم و برای آن سازوکار پدید آوریم و به این سوالات پاسخ دهیم:

به چه صورت نسل جوان را آماده کنیم تا بار مسئولیت اجتماعی را به دوش بکشد؟

آیا جوان امروز برای این امر آماده است؟

آیا جوان درک درستی از این تکلیف تاریخی دارد؟

آیا دانش و توان و مهارت آن را دارد؟

چه کنیم که هم درک آن را پیدا کند و هم توانش را بیابد؟

باید برای این مسئله‌ها بیندیشیم، ده‌ها مقاله و کتاب پدید آوریم. متن درسی، مراکز فکری پژوهشی و گروه‌های آموزشی و ترویجی شکل دهیم و گفتمان‌سازی کنیم. همان کارهایی که بر موضوعات پیشین مد نظر رهبری مانند تمدن، سبک زندگی، تولید علم، و تهاجم فرهنگی انجام داده‌ایم. زیرا این موضوع، فعلا در مرحله‌ی صفر قرار داد ولی موضوعات دیگر هریک مقداری پیش رفته‌اند.

واقع آن است که برای ما به خوبی روشن نیست که نسل جوان را به چه صورت وارد میدان کنیم و این چوب مسئولیت را به او تحویل دهیم تا خیالمان راحت باشد که او هم می‌دود و هم می‌داند که باید به کدام جهت ببرد و هم سرعت، شتاب و طراوت لازم برای حرکت را دارد.

اگر توجه نداشته باشیم این آسیب وجود دارد که هر کس یا هر نهاد و سازمانی همان فعالیت‌های قبلی خود را با استناد به یکی از مفاهیم موجود در پیام انجام دهد و برای خود توجیه پیدا کند. این بیانیه سرشار از مفاهیم، و بسیار پرمؤلفه است و هر کار خوبی را می‌توان به فقره یا بندی از آن مستند ساخت و ادعای قداست یا انقلابی‌گری داشت.

با این توضیح معلوم می‌شود که مسئله‌ی اصلی در این بیانیه، اخلاق و معنویت نیست. مساله اصلی ورود نسل جوان به عرصه نیازهای انقلاب و مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی است. البته برای این منظور باید ظرفیت‌های اخلاقی و آمادگی‌های معنوی او را افزایش داد. اخلاق و معنویتی که نسل جوان را آماده می‌کند تا بار انقلاب را به دوش کشد همان ‌اخلاق انقلابی، تربیت حماسی و معنویت اسلام ناب محمدی است که جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و جبهه کفر را تضعیف می‌کند و طواغیت جهان را به ستوه می‌آورد. همان غیرت توحیدی متعالی است که کفر و ظلم را در هیچ نقطه‌ای از جهان تحمل نمی‌کند، همان روح مبارزه و خروش است که خداوندان زر و زور و تزویر را به زیر می‌کشد و در مقابل سلطه کفار گرفتار تسلیم و وادادگی نمی‌شود.

الگوی این خودسازی معنوی و اجتماعی، شهدای صدر اسلام، شهدای کربلا، شهدای دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و شهدای مقاومت هستند. و پیش از همه‌ی آنها پیامبران و پیشوایان معصوم که تا آخرین نفس مقابل قدرت‌های ظالم و غاصب مبارزه کردند و همگی به شرف شهادت نایل آمدند.

رهبانیت اسلامی فاصله گرفتن از جامعه و در کنج عافیت ذکر گفتن یا در گوشه محراب سر بر سجده نهادن و عبادت کردن نیست. رهبانیت اسلامی جهاد است.[[3]](#footnote-3) جهادی در وسط میدان جامعه که عابدان شب و شیرمردان روز برای پاکسازی ارض از لوث وجود فاسدان و ظالمان و برای تحقق اراده‌ی پروردگار بر عهده می‌گیرند. و مگر اوج اخلاق و انتهای معنویت، فانی شدن اراده بنده در اراده پروردگار نیست. و مگر اراده پروردگار به چیزی غیر از این تعلق گرفته که پرچم توحید در سراسر جهان به اهتزاز درآید و مدیریت زمین یک‌پارچه در اختیار صالحان قرار گیرد:

* وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ.
* اسْتَعینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقینَ
* وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ
* هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى‏ وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَى الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

ارسال پیامبران، انزال کتاب‌های آسمانی و فرستادن هدایت، همه برای این بوده که دین حق و مکتب اهل بیت بر همه‌ی مکاتب و ادیان جهان غالب شود و سرانجام جهان به دست متقین رقم خورد.

به یقین، این آیات حاکی از اراده تکوینی خدا نیست. اعلام اراده تشریعی پروردگار است که باید توسط مومنان محقق شود و البته محقق خواهد شد. خبر نیست. انشاء فرمان و دستور تاسیس سبک زندگی اسلامی و الهی است که دانش اخلاق اسلامی باید مختصات آن را بیابد و عرضه کند.

پیامبر اکرم اصحاب خود را بر مدار این اخلاق و با این اندیشه پرورده بود، یاران امام حسین چنین بودند و جوان دست‌پرورده‌ی مکتب امام راحل نیز که در ۲۵ سالگی فرماندهی لشکر را بر عده می‌گرفت همین گونه بار آمده بود.

حضرت امام از این جوانان با تعبیر فتح الفتوح انقلاب اسلامی یاد می‌کردند و آنان را بزرگترین دستاورد و بالاترین افتخار مکتب تشیع می‌دانستند. رهبر انقلاب نیز با همین جوان‌ها، مسیر مبارزه بعد از پذیرش قطعنامه را پیش بردند و صنایع دفاعی، هسته‌ای، ارتباطی، اطلاعاتی، موشکی، نانو و سایر صنایع را در نبرد علمی پدید آوردند. اخیراً نیز به تشکیل دولت جوان انقلابی در همین راستا تأکید فرموده‌اند.

آیا دستگاه کهن اخلاق و معنویت ما، چنین آورده و محصولی دارد؟‌ آیا نمونه‌های برجسته و شاگرد اول‌های نظامات معروف اخلاقی و معنوی همین ویژگی‌ها را کسب کرده‌اند؟‌ آیا سیر و سلوک معنوی در حلقات تربیتی، عمار و ابوذر و مالک و حبیب و صیاد و چمران و مطهری و بهشتی و سلیمانی تحویل می‌دهد؟ آیا سلوک ذیل شخصیت امام خمینی با سیر و سلوک معنوی پیش از عصر اقامه دین متفاوت نیست؟ آیا حلقه ذکر و مناجات و عبادت عارفان، توان پرورش شیران شب‌شکن و موحدان مجاهد تمدن‌ساز را دارد؟ آیا دانش اخلاق و معنویت اسلامی خود را برای ارایه الگوی تربیت معنوی انقلابی آماده کرده است؟

# جهاد در قرآن

1. إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ الَّذينَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ أُولئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ (218)
2. أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرينَ (142)
3. لا يَسْتَوِي الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدينَ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقاعِدينَ دَرَجَةً وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏ وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدينَ عَلَى الْقاعِدينَ أَجْراً عَظيماً (95)
4. يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسيلَةَ وَ جاهِدُوا في‏ سَبيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (35)
5. يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يُجاهِدُونَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ (54)
6. إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهاجِرُوا ما لَكُمْ مِنْ وَلايَتِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ حَتَّى يُهاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلاَّ عَلى‏ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ ميثاقٌ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (72)
7. وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَريمٌ (74)
8. وَ الَّذينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولئِكَ مِنْكُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى‏ بِبَعْضٍ في‏ كِتابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ (75)
9. أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لاَ الْمُؤْمِنينَ وَليجَةً وَ اللَّهُ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ (16)
10. أَ جَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمينَ (19)
11. الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ (20)
12. قُلْ إِنْ كانَ آباؤُكُمْ وَ أَبْناؤُكُمْ وَ إِخْوانُكُمْ وَ أَزْواجُكُمْ وَ عَشيرَتُكُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسادَها وَ مَساكِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ في‏ سَبيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقينَ (24)
13. انْفِرُوا خِفافاً وَ ثِقالاً وَ جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (41)
14. لا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجاهِدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ اللَّهُ عَليمٌ بِالْمُتَّقينَ (44)
15. يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ (73)
16. فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجاهِدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ قالُوا لا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كانُوا يَفْقَهُونَ (81)
17. وَ إِذا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَ جاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ قالُوا ذَرْنا نَكُنْ مَعَ الْقاعِدينَ (86)
18. لكِنِ الرَّسُولُ وَ الَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أُولئِكَ لَهُمُ الْخَيْراتُ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (88)
19. ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذينَ هاجَرُوا مِنْ بَعْدِ ما فُتِنُوا ثُمَّ جاهَدُوا وَ صَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحيمٌ (110)
20. وَ جاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبيكُمْ إِبْراهيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمينَ مِنْ قَبْلُ وَ في‏ هذا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلى‏ وَ نِعْمَ النَّصيرُ (78)
21. فَلا تُطِعِ الْكافِرينَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً كَبيراً (52)
22. وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمينَ (6)
23. وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ (69)
24. وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجاهِدينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرينَ وَ نَبْلُوَا أَخْبارَكُمْ (31)
25. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ أُولئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (15)
26. يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِما جاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهاداً في‏ سَبيلي‏ وَ ابْتِغاءَ مَرْضاتي‏ تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِما أَخْفَيْتُمْ وَ ما أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبيلِ (1)
27. تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجاهِدُونَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (11)
28. يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ (9)
1. البته این اهداف در ساختار موجود برخی از سازمان‌ها و ارگان‌ها قابل پی‌گیری است؛ لذا شایسته است یک شورای سیاستگذاری متشکل از نمایندگان نهادها و مراکز گوناگون پدید آید تا هرکدام ظرفیت خود را به خدمت اجرای این طرح بیاورند و این کارگروه‌ها را با ظرفیت‌های خود تطبیق داده و در بستر ساختار و امکانات خود دنبال کنند و اگر موردی باقی ماند که در هیچ ساختار و نهادی قابل پی‌گیری نبود، دست به تأسیس نهاد جدید بزنند. [↑](#footnote-ref-1)
2. . دو امدادی یک مسابقه‌ی تیمی است به این صورت که یکی از افراد تیم همراه با چوبی در دست مسیری را می‌دود. بعد از رسیدن به نقطه‌ی مشخص چوب را به نفر بعد می‌دهد و او نیز همین‌طور به نفر بعدی تا به خط پایان برسند. [↑](#footnote-ref-2)
3. توجه داریم که رهبانیت اسلامی با رهبانیت سایر ادیان الهی تفاوتی ندارد و روش پیامبران در این جهت متفاوت نیست. رهبانیت عزلت‌نشین مسیحی نیز ساخته و پرداخته کشیشان مسیحی است نه رهنمود آسمانی عیسی روح الله: وَ رَهْبانِیَّةً ابْتَدَعُوها ما کَتَبْناها عَلَیْهِمْ. عیسی مریم نیز برای انجام رسالت پرشور اجتماعی خود مردم را به یاری دین خدا در متن عینیت جامعه فراخواند: فَلَمَّا أَحَسَّ عیسى‏ مِنْهُمُ الْکُفْرَ قالَ مَنْ أَنْصاری إِلَى اللَّهِ قالَ الْحَوارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل‌عمران: ۵۲) یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُونُوا أَنْصارَ اللَّهِ کَما قالَ عیسَى ابْنُ مَرْیَمَ لِلْحَوارِیِّینَ مَنْ أَنْصاری إِلَى اللَّهِ قالَ الْحَوارِیُّونَ نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طائِفَةٌ مِنْ بَنی‏ إِسْرائیلَ وَ کَفَرَتْ طائِفَةٌ فَأَیَّدْنَا الَّذینَ آمَنُوا عَلى‏ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظاهِرینَ (صف: 14). [↑](#footnote-ref-3)